

**اعتبار عقل و نقل**

تجزیه ناروای يك هندسه معرفتي، نه تنها سبب تکامل آن نمی‌شود...



تجزیه ناروای يك هندسه معرفتي، نه تنها سبب تکامل آن نمی‌شود، بلکه همواره مایه درگیری و پایه اختلاف و رکود است. عقل به معنای جامع تجربی و تجربیدی آن، از ادله شرع و از لحاظ هندسه معرفتي، زیرمجموعه منابع معرفتي عقاید، اخلاق، فقه و حقوق دینی است و حرمت آن همانند احترام دلیل نقلي، محفوظ است و هرگز برابر دین قرار ندارد و تعبیر #171&#171; عقلي یا دینی؛ و هرگز #171&#171; عقلي یا شرعی؛ حاکی از #171&#171; قسمت ضیعی؛ و رویارویی ناروای دو بال يك پرنده ملکوتی است و هرگز چنین تقابل و برابری در شأن هیچ‌کدام از دو جناح پنداری عقل و شرع نیست.

یعنی نه عقل چنین تهمتی را برمی‌تابد که در برابر دین قرار گیرد و نه دین چنین اتهامی را تحمل می‌کند که در قبال عقل است، بلکه دین مجموع عقاید، اخلاق، فقه، حقوق و... است که منبع هستی‌شناسی آن فقط اراده و علم ازلی خداوند است و منبع معرفت‌شناسی آن، عقل و نقل. نقل همان متون دینی مانند قرآن و سنت معصومان (علیهم‌السلام) است و عقل همان برهان واجد شرایط حجیت، بنابراین آنچه با علم معتبر یعنی برهان عقلي ثابت شود، شرعی است؛ همانند مطلبي که با دلیل نقلي معتبر اثبات شود.

البته همان‌گونه که برای حجیت دلیل نقلي، شرایط فراوانی لازم است، برای حجیت دلیل عقلي اعم از تجربی و تجربیدی نیز شرایط ویژه‌ای معتبر است و همان‌طور که گاهی دو آیه قرآن یا دو حدیث مأثور از معصوم (علیه‌السلام) یا يك حدیث معتبر با ظاهر آیه قرآن ناهماهنگ به نظر می‌رسد و با اعمال قواعد علاج، تعارض ابتدایی آنها برطرف می‌شود، ممکن است بین دو دلیل عقلي یا يك دلیل عقلي و يك دلیل نقلي، تعارض بدئی پدید آید که طبق قواعد علاج، با تقدیم قطعی بر غیرقطعی یا با ترجیح مفید طمأنینه بر مفید ظن مطلق و مانند آن با احتساب مرجعیت نهایی و تام و بدون منازع وحی معصومانه انسان کامل معصوم (علیه‌السلام)، تعارض مزعوم برطرف می‌شود.

آنچه به لحاظ تحول زیست‌شناسی دامنگیر پژوهشگران علم و دین شده است و به عنوان تعاند بین آنها در جریان مکتب داروین طرح می‌شود، نموداری از این تقابل تلخ است.

همه تهاجم‌هایی که ضد دین رخ داده است و می‌دهد، اگر بر اثر پیشرفت علم و رشته‌های متنوع، به‌ویژه زیست‌شناسی باشد که به تفسیر انسان به انسان طبق رهنمود قرآن برمی‌گردد، همگی بر اثر برداشت حصرآلود شرع در نقل و محصول تقابل انگاری این دو منبع معرفت‌شناسی دینی است.

هرگاه برهان عقلي و دلیل معتبر علمی مطلبي را ثابت کند، اگر آن مطلب مخالف اطلاق یا عموم دلیل نقلي مانند آیه قرآن یا حدیث مأثور از معصوم (علیه‌السلام) باشد، می‌توان آن دلیل معتبر علمی را مقید یا مخصّص لئی قرارداد و با آن، اطلاق یا عموم دلیل نقلي را تقیید کرد یا تخصیص داد و با پیمودن سایر راه‌های شناخته شده در فن اصول فقه، تعارض ابتدایی بین دو دلیل معتبر دینی را برطرف کرد.

فرضیه داروین هم که به عنوان معرکه‌ای برای تعاند علم و دین تلقی شده است، از چند جهت فاقد شرایط حجیت است، زیرا هنوز از فرضیه فراتر نیامده و به عنوان يك نظریه قطعی نقد ناپذیر ظهور نکرده است، چنان که عده‌ای از صاحب‌نظران درباره اعتبار آن از منظر تردید می‌نگرند؛ بر فرض ثبوت آن، به جریان توحید و نیازمندی مخلوق به خالق آسیبی نمی‌رسد؛ لیکن با ظهور آیات فراوانی معارض است که آفرینش انسان اولی را که انسان کنونی کره زمین نسل اوست، از خاک با رعایت تکامل تدریجی آن می‌داند و بر فرض ثبوت قطعی آن، حتماً راه علاج تعارض مزعوم به نحو تقیید، تخصیص، حمل بر مجاز، تأویل و مانند آن باز است و چون ممکن است قطع کنونی صاحب‌نظران فن زیست‌شناسی همانند برخی از قطع‌های دیگر آنان (نه همه قطع‌ها) دستخوش تحول زیست‌شناسی برتر گردد، فعلاً علم به متن دینی به اهل آن واگذار می‌شود، تا نظر نهایی معلوم و اعلام شود.

غرض آنکه دلیل معتبر عقلي تجربی و تجربیدی حجّت شرعی است و می‌توان به استناد آن فتوا داد که خداوند در نظام طبیعت چنین کرده است. البته این‌گونه فتاوا فقط صبغه علمی دارد و هیچ اثر فقهی بر آن مترتب نیست، زیرا از سنخ اعمال نیست و همانند سایر ادله نقلي که بیانگر راز و رمز آفرینش و پرورش موجودهای صحرایی، دریایی یا زمینی و فضایی است، می‌تواند در فن کلام و مانند آن کارآمد باشد.

خلاصه: ا. ره‌آورد عقل، اعم از تجربی و تجربیدی، همانا علم به بود و نبود یا باید و نباید است.

ب. منظور از شرع چیزی است که به مبدأ و معاد جهان آفرینش و به راه مستقیم بین آغاز و انجام جهان مصنوع و به راهنمایان معصوم (علیهم‌السلام) این‌راه و به اسرار ملکی و ملکوتی ساختار خلقت و مانند آن برگردد.

ج. همان‌گونه که دلیل معتبر نقلي از راز آفرینش ماه و سرّ هلال و بدر و محاق رفتن آن حکایت می‌کند: *يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْآهَةِ... (1)*؛ *وَالْقَمَرَ قَدَرْنَهُ مَنَازِلَ... (2)* و آن اینکه خداوند ماه را برای آشنایی بشر به حساب‌های تجاری و زراعی و فرهنگی و نظایر آن به حالت‌های

گونه‌گون درمی‌آورد، اگر دلیل عقلي معتبر به رمز پیدایش و پرورش موجودي زميني يا سپهري ديگر پي برد، مي‌تواند بگويد خداوند فلان موجود را براي فلان هدف انساني آفريد؛ از اينجا معنای شرعي بودن علوم تجربی و ریاضی روشن خواهد شد.

د. قلمرو شرع، وسیع‌تر از منطقه فقه و حقوق و بازتر از محدوده فروع دینی است، زیرا مسائل حکمت و کلام را که از شاخصه‌های اصول برتر شرعی است شامل می‌شود، بنابراین هر مطلب علمی، بعد از احراز قطعی بودنش می‌تواند به عنوان بیان کننده صنع الهی و آیه‌ای از آیات تکوینی پروردگار مطرح شود.

ه. دلیل نقلی، متنوع است: بعضی قطعی و برخی ظنی‌اند و محتوای دلیل قطعی را می‌توان به شکلی قطعی به شارع مقدس اسناد داد؛ ولی محتوای دلیلی ظنی در صورت امکان اسناد باید به نحو مظنه باشد؛ نه قطع یعنی گمان این است که شارع مقدس چنین کرده یا چنان فرموده است و از لحاظ اعتبار چنین مظنه‌ای باید از فنّ اصول فقه استفتا کرد.

دلیل عقلي نیز مانند دلیل نقلی، گونه‌گون است: برخی برهانی و قطعی و بعضی خطابی و ظنی‌اند و محتوای هر کدام را برابر درجه اعتبارش می‌توان به شارع مقدس اسناد داد و حجیت هر يك طبق ضابطه فنّ اصول فقه است.

1. سوره بقره، آیه 189.

2. سوره یس، آیه 39.

تفسیر انسان به انسان، ص 32-36.